

هنر خوشنویسی و نقش وزرای عباسی در شکوفایی آن

زیور احمدزاده^۱

طاهره عظیم زاده^۲

اردشیر اسدبیگی^۳

محمد باغستانی کوزه گر^۴

چکیده: با تأسیس حکومت عباسیان و ثبات سیاسی، خلفای عباسی به تشویق و ترغیب هنرمندان و گسترش هنر در زمینه‌های گوناگون همت گماردند. وزیران عباسی که خود خوشنویسان زبردست و ماهری بودند، زمینه سامان بخشیدن به خطوط اداری را در دارالخلافه فراهم کردند. در سایه توجهات آنان و کاهش دغدغه‌های اقتصادی هنرمندان، خوشنویسان مطرحی در این عصر پا به عرصه ظهور نهادند. نگارنده‌گان این پژوهش بر آن‌اند تا با مطالعه متون تاریخی تأثیر وزیران دربار عباسی در گسترش و پیشرفت هنر خوشنویسی از عصر خلافت سفاح تا پایان خلافت الراضی (۱۳۲-۳۲۹ق) را مورد بررسی قرار دهند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که وزیران در این دوره اغلب از میان کتابخانه‌داریار به وزارت خلفای عباسی منصوب می‌شدند و با در دست داشتن قدرت سیاسی و حمایت اقتصادی از هنرمندان خوشنویس و تربیت آنان، زمینه‌های خلق خطوط ظریف و بدیعی را در قرون سوم و چهارم قمری فراهم کردند. روش کار در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و با تکیه بر متون تاریخی سامان یافته است.

واژه‌های کلیدی: خوشنویسی، عباسیان، وزیران عباسی، برآمکه، ابن مقله

^۱ دانشجوی مقطع دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. geo_ahmadzadeh@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) Ta_azim@yahoo.com

^۳ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. jafar.asdbeigi@yahoo.com

^۴ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. mo_baghestani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۲ تاریخ تأیید: ۹۹/۰۱/۲۵

The Impact of Ministers of the Abbasids Ministers on the Development and Flourishing of the Art of Calligraphy

Zivar Ahmadzadeh¹

Tahereh Azimzadeh²

Ardeshir Asadbeigi³

Mohammad Baghestani Kozegar⁴

Abstract: With the establishment of the Abbasid caliphate and its political stability, the Abbasid caliphs made a great effort for encouraging the artists and spreading of art in various fields. The Abbasid ministers, who were skilled calligraphers, paved the way for organization of administrative writing scripts in the Dar al-Khalafah, and in the light of their attention and reduction of the economic burdens of the artists, prominent calligraphers emerged in this era. This study aims to investigate the impact of the ministers of the Abbasid court in the development of calligraphy from the rise of Safa'ah caliphate to the end of Al-Radhi caliphate (1329-329 AH) by reviewing the historical texts. The obtained results indicated that the ministers of this era were often appointed from among the court scribes and due to political power and economic support for calligraphers and their training, they provided the grounds for creation of delicate and original scripts in the third and fourth centuries AH. The research method is a descriptive-analytic study organized based on historical texts.

Keywords: Calligraphy, Abbasids, Abbasid ministers, Barmakids, Ibn Muqla.

1 PhD candidate, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran. geo_ahmadzadeh@yahoo.com

2 Associate Professor, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran. (Corresponding author)
Taherehazimzadeh.t@gmail.com

3 Assistant professor, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran. jafar.asdbeigi@yahoo.com

4 Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Research Institute. mo_baghestani@yahoo.com

مقدمه

هنر خطاطی از آغاز ظهور اسلام در میان مسلمانان از جایگاه والایی برخوردار بود. تأکیدهای مکرر قرآن بر اهمیت کتابت و ضرورت تدوین و حفظ قرآن از طریق نوشتمن، مسلمانان را از همان نخستین سالها به فراگیری خط و ترویج خوشنویسی ترغیب کرد (صیری، ۱۳۸۷: ۱۵؛ سبزواری، ۱۳۷۲: ۱۰۶؛ سمعانی، ۱۳۸۱: ۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵۲/۲). نقل روایات متعدد در زمینه کتابت مصحف شریف قرآن بدون توجه به صحت و سقم این امر و رواج آن در میان خوشنویسان قرون اولیه اسلام و به کارگیری این گونه روایات به منظور ترغیب مسلمانان به فراگیری خط و خوشنویسی، سبب رونق این هنر و تداوم آن در میان عامه مسلمانان شد.

در متون تاریخی یکی از نخستین افراد در کتابت مصحف شریف قرآن خالد بن أبيالهیاج از اصحاب امام علی(ع) است که در صدر اسلام به خوشنویسی و زیبانویسی شهرت داشت. أبيالهیاج در دربار ولید بن عبدالملک (حک: ۹۶-۸۶ق) به کتابت مصحف شریف قرآن، شعر و اخبار مشغول بود. مالک بن دینار (متوفی ۱۳۰ق) از دیگر خوشنویسانی بود که در اوخر عهد اموی به کتابت قرآن می پرداخت (ابنندیم، ۱۳۶۶: ۱۲). عبدالحمید کاتب (متوفی ۱۳۲ق) نخستین کاتب ایرانی بود که به دربار امویان راه یافت. او مسلط به زبان و ادب عربی و رئیس دارالاشراف مروان بود (ابن خلکان، ۱۴۱۹ق: ۳/۲۲۹؛ فروخ، ۱۹۵۰: ۸). مشهورترین خطاط و کاتب اوخر حکومت امویان، قطبه محرر (ابنندیم، ۱۳۶۶: ۱۰۲؛ فضائلی، ۱۳۶۲: ۱۷۸) بود که بیشتر کتابان اوایل عهد عباسی از شاگردان و دست پروردگان او بودند. او را از نخستین پیشگامان تحول خط عربی از قلم کوفی برشمراهاند؛ زیرا در دوره‌های بعد قلم چهارگانه طومار، جلیل، نصف و ثلث را از قلم کوفی پدید آورد. هنر خوشنویسی از نیمه‌های قرن دوم قمری با روی کار آمدن عباسیان به صورت هنری بدیع و زیبا مورد توجه قرار گرفت و خوشنویسان در این دوره در سایه حمایت خلفای عباسی و وزیران آنان به پرورش ذوق و هنر خویش پرداختند. منابع کهن اسلامی روایاتی از حمایت‌های بی‌دریغ خلفا و وزرای عباسی در زمینه رواج و گسترش خطاطی نقل کرده‌اند که ظهور خوشنویسان زبردست گواه روشی بر اهمیت این فن در آن روزگاران است (ر.ک. صولی، ۱۳۴۱ق: ۲۴؛ ناموس خواری، ۱۳۸۷: ۲۰).

در میان اشراف و امرا و درباریان، طبقه وزیران که اغلب قبل از تصدی مقام وزارت شغل کتابت و دیگر خلفا را بر عهده داشتند، برخی از آنان خود به هنر خوشنویسی می‌پرداختند و در هر فرصتی زمینه‌های رشد و اعتدالی هنر خوشنویسی را فراهم می‌کردند. در این میان، کاتبان ایرانی با توجه به پیشینهٔ فرهنگی و تمدنی خویش علاقهٔ فراوانی به خوشنویسی و ترویج این هنر بدیع از خود نشان داده‌اند. هنردوستی و ذوق هنری آنان و پشتکار در فرآگیری این هنر فاخر سبب شده بود که به تدریج پای ایرانیان به دارالخلافهٔ خلفای عباسی به عنوان کاتب باز شود.

روش تحقیق

در این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر متون تاریخی و آثار خوشنویسی بر جای مانده از عصر عباسی، به اقدامات وزیران در زمینهٔ پیشرفت و گسترش هنر خوشنویسی پرداخته شده است. محدودهٔ پژوهش از آغاز خلافت عباسی سال ۱۳۲ ق. تا پایان سال ۳۳۴ ق. را در بر می‌گیرد که براساس تقسیم‌بندی طقوش (۱۳۹۴: ۲۷) خود به دو دوره تقسیم می‌شود: عصر اول از خلافت ابوالعباس سفاح تا پایان خلافت واثق (۲۳۲-۱۳۲ ق) عصر طلایی و شکوفایی عباسی و عصر دوم از آغاز خلافت متوكل تا خلافت مستکفى (۲۳۴-۲۲۲ ق) که دوران نفوذ ترکان و ضعف خلافت است.

پیشینهٔ پژوهش

منابع ارزشمندی در زمینهٔ هنر خوشنویسی، تاریخ خط و خطاطی به رشته تحریر درآمده است. این منابع به سیر تاریخ خوشنویسی از ابتدای دوران اسلامی تا دورهٔ معاصر پرداخته‌اند. مقاله‌هایی مانند «بن‌مقله مخترع خط» از حسین بهشتی (۱۳۲۴)، «بن‌مقله شیخ الخطاطین» از ادیب کمال الدین (۱۴۱۸ ق)، «احوال خطوط اسلامی در آغاز قرن چهارم هجری و ظهور بن‌مقله» از بدیع‌الله دیبری‌نژاد (۱۳۴۸)، «بحران وزارت در عصر دوم عباسی و نقش بن‌مقله» نوشتهٔ سید احمد رضا خضری (۱۳۷۹) و کتاب‌هایی با عنوان وزیر مثلث از حسن وزیری (۱۳۸۱)، بن‌مقله از علی‌اکبر ولایتی (۱۳۹۰) به نگارش درآمده است که در این پژوهش‌ها تنها به عملکرد بن‌مقله وزیر مشهور عباسی در هنر

خوشنویسی پرداخته شده است. نگارنده‌گان این پژوهش علاوه بر ابن‌مقله به معرفی دیگر وزیران عصر عباسی که در زمینه خوشنویسی و ابداعات خطوط نقش اساسی داشته‌اند، پرداخته‌اند. همچنین علاوه بر وزیران خوشنویس، به شناساندن عملکرد برجی از وزیران که خود خطاط نبودند، اما بستر مناسیب را برای عرضه هنر خوشنویسی ایجاد کردند و سبب شکوفایی این هنر شده‌اند، پرداخته‌اند که از این بُعد پژوهشی نو و متفاوت است.

۱. عصر اول عباسی و زمینه‌های گسترش هنر خوشنویسی (۱۳۲-۲۳۲ ق)

الف. خاندان برامکه حامی هنر خوشنویسی

خاندان ایرانی برامکه با پیشینه فرهنگی و تمدنی درخشان از نخستین وزرای ایرانی دربار عباسی بودند که به خطاطی و زیبانویسی دلبستگی فراوانی داشتند. یحیی بن خالد برمکی (۱۹۰ق) وزیر کاردان و بادرایت هارون‌الرشید خود از خوشنویسان زبردست، ماهر و دوستدار این هنر بود (سجادی، ۱۳۸۵: ۴۳) و در مدت وزارت‌ش بنا بر نظر مورخان بانی فعالیت‌های فرهنگی، علمی و هنری فراوانی بود؛ به گونه‌ای که از تشویق اهل هنر و بهویژه خوشنویسان مضایقه نمی‌کرد. یحیی بن خالد برمکی به فنون کتابت و خطاطی بسیار آگاه بود و اعتقاد داشت: «خط در حکم یک پیکره است، روح و جان آن معانی‌ای است که از آن مستفاد می‌شود. دست‌های آن، سرعت است و پاهای آن، یکنواختی و اعصابی آن، وقوف بر تنظیم فواصل است» (همایونفرخ، ۱۳۵۰: ۶۷۸). خاندان برامکه برای نشان دادن جایگاه والای فرهنگ و هنر ایرانی و همچنین رواج آن در سرزمین‌های اسلامی از هر فرستی استفاده می‌کردند و هنرمندان ایرانی باستعداد را تحت حمایت خویش وارد دارالخلافة عباسی می‌کردند و از دانش هنری آنان برای رشد و اعتلای هنرهای مختلف استفاده می‌کردند.

اسحاق بن حماد (متوفای ۱۵۴ق) و بادرش ضحاک از نخستین کاتبان و خطاطان دربار عباسی بودند که هنرشنان در خوشنویسی شهره خاص و عام بود. اسحاق بن حماد دییر خلیفه المهدی (حک: ۱۵۸-۱۶۹ق) در سایه حمایت خلیفه عباسی و وزیرانش، اولین مدرسه خوشنویسی را در جهان اسلام پایه‌گذاری کرد (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱) و به تربیت و آموزش خوشنویسان پرداخت. از مشهورترین و برجسته‌ترین شاگردان اسحاق دو بادر اهل

سیستان به نام‌های یوسف و ابراهیم سگزی بودند (قلقشندي، [بـ] تا: ۱۷/۳). احوال سگزی (فضائلی، ۱۳۶۲: ۱۹۵) یا احوال محرر (متوفای قرن دوم قمری) یکی از شاگردان یوسف سگزی بود که به سبب ذوق و هنرشن مورد حمایت یحیی برمکی قرار گرفت و در خدمت وی ظرافت‌های خوشنویسی را آموخت و از خوشنویسان مشهور و زبردست روزگار عباسیان شد. در الفهرست ابن‌نديم در احوال او چنین آمده است: «وی در معانی خط و اشکال آن دانش بسزایی داشت» (ابن‌نديم، ۱۳۶۶: ۱۴).

احوال سگزی به رموز خط و کتابت و ظرافت‌های خوشنویسی آگاه بود و بدین سبب در عصر مأمون در زمرة کتاب خاص قرار گرفت. یکی از کارکردهای خوشنویسان نگارش نامه‌های سیاسی و فتح‌نامه‌ها با خطوطی زیبا و ظریف بود. احوال سگزی چون خطی نیکو داشت، کاتب نامه‌های مهمی بود که از طرف خلیفه برای ملوک اطراف بر طومار نوشته و فرستاده می‌شد (همان، همان‌جا). او در سایه حمایت‌های مالی وزیر خلیفه عباسی به تحقیق و بحث در زمینه رسوم و قوانین کتابت پرداخت و رساله‌های ارزشمندی در اصول و قوانین خط نگاشت؛ از جمله آنان رساله جامع است (راهجيري، ۱۳۴۶: ۵۵). همچنین گام‌هایی به منظور قانونمند کردن قلم‌ها برداشت و آنها را براساس درشتی و ریزی دسته‌بندی کرد (رفعی، ۱۳۴۵: ۳۸۹) و قلم طومار را در دسته نخست جای داد. ظهور برخی اقلام از جمله قلم مسلسل را که همه حروف آن به هم پیوسته بود، به او نسبت داده‌اند (قلقشندي، [بـ] تا: ۱۷/۳). احوال این قلم را از قلم ریاسی استخراج کرده بود و به آن سروسامان بخشید (رفعی، ۱۳۴۵: ۳۸۹). قلقشندي در صحیح الاعشی خطوط دیگری را نیز به او نسبت می‌دهد که عبارت است از: «موررات» (خاص مکاتبه امیران)، «خط قصص» (برای نگارش بر ورق‌های کاغذ کوچک)، «غبار الحیله» (ویژه امور سری و بستن به بال کبوتر نامه‌بر) است (قلقشندي، [بـ] تا: ۱۷/۳). علاوه بر این خطوط، ابن‌نديم نيز سجلات، عهود، امانات، دیاج، مدیح و مرصع را هم به او نسبت داده است (ابن‌نديم، ۱۳۶۶: ۱۴). نگارش سندي به خط احوال سگزی از سوی مأمون برای امپراتوری روم شرقی که به خاطر زیبایی اش در قسطنطینیه به نمایش درآمد، مورد تأیید برخی از تذکره‌نویسان است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱).

خوشنام بصری (متوفای اواخر قرن دوم قمری) و مهدی کوفی (ممتوفای قرن دوم) نیز از

خطاطان مورد حمایت خاندان برامکه بودند (ابن‌نديم، ۱۳۶۴: ۱۲). دربارهٔ تبحر و زيبانويسي خوشنام چنین آمده است که: «الفهایي می‌نوشت به ارتفاع يك ذراع و در عين حال آنها را فقط با يك حرکت دست می‌نوشت» (Safadi, 1978: 225).

يحيى برمکي وزير سياستمدار عباسی برخی از خوشنویسان را كه علاوه بر هنر خوشنویسي از دانش ديجكري نيز بهره داشتند، در دستگاه حکومتی منصوب می‌کرد و زمينه رشد و ترقی آنان را در دارالخلافه مهيا می‌کرد. احمدبن أبي خالد (متوفی ۲۱۱ق) به سبب زبابی خطش مورد تحسین و تمجید يحيى برمکي قرار گرفت و چون به امور دیوانی نيز تسلط داشت، به دستور يحيى برمکي به رياست ديوان جند اردن منصوب شد (فضائلی، ۱۳۶۲: ۹۵). حمایت‌های گسترده يحيى برمکي از أبي خالد تا زمانی که بر مسند وزارت بود، ادامه داشت و هنگامی که وزیر به خشم هارون گرفтар و زندانی شد، در نامه‌ای به فضل بن سهل وزیر خواستار حمایت او از احمدبن أبي خالد شد. يحيى برمکي در برخی موارد كتابان مخصوص خویش را برای امور سياسي و اطلاع از اوضاع يك منطقه، بدان ديار منصوب می‌کرد. او که برای گسترش نفوذ هارون تلاش می‌کرده، کوشید تا «اسماعيل بن صبيح» کاتب خود را به ديوان شام بگمارد و بدین ترتيب از اخبار بيشتر آگاه شود. البته هادي دریافت و يحيى ناگزير اسماعيل را به حران فرستاد (جهشياري، ۱۳۴۸: ۱۲۷).

خاندان برامکه علاوه بر روق بخشیدن به خطاطي در عصر خلافت عباسيان، در جهت پيشرفت و گسترش اين هنر فاخر گام‌های بلندی برداشتند که همانا احداث کارخانه کاغذسازی بود. بنا بر روایات، فضل بن يحيى اولين کسی بود که در بغداد کارخانه کاغذسازی بنا کرد (بوبا، ۱۳۳۶: ۱۱۲؛ شيميل، ۱۳۶۸: ۴۴). به کارگيري کاغذ سير تکامل خوشنویسي را در درون و بروون دستگاه حکومتی و ديوان‌ها به دليل منسوخ شدن استفاده از پوست آسان ساخت. به نظر می‌رسد اين خاندان نخستین کسانی بودند که استفاده از کاغذ و مرکب را در خوشنویسي رايچ کرددند (جاحظ، ۱۴۲۴: ۲۸/۱). جاحظ در کتاب خود به خدمات وزيران ايراني هارون و کوششی که زنادقه (مانوي‌ها) در انتخاب کاغذهای پاک و صيقلى و مرکب‌های درخشende و همچنین تشويق و بزرگداشتی که از خوشنویسان می‌کردد، اذعان کرده است.

در اين دوره خوشنویسان و دبیران در جامعه مقام و منزلتی مهم يافتند. اين امر به

خوبی در کتاب هزار و یک شب نمایان است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۲). بذر هنر خوشنویسی در دوره هارون با تشویق و حمایت وزرای هنردوستش پاشیده شد و در زمان خلافت مأمون به ثمر نشد. سال‌های خلافت مأمون دوره درخسان خوشنویسی اسلامی بوده است. زیبانویسی، شوق یادگیری و حمایت عامه مردم از خطاطی در این دوره کاملاً مشهود است.

ب. فضل بن سهل سرخسی

فضل بن سهل سرخسی (متوفای ۲۰۲ق) اولین وزیر خوشنویس دربار مأمون بوده است (عقیلی، ۱۳۶۴: ۷۰). سهل مجوسی پدر فضل از دوستان و نزدیکان یحیی بن خالد بود و یحیی بیشتر امور اداری خود را به او واگذار می‌کرد (نجوانی، ۱۳۴۴: ۱۶۲). فضل بن سهل نخست کار تصدی دخل، خرج و پیشکاری یحیی بن خالد را بر عهده گرفت و در سایه پشتکار و درایت خود، در زمان مأمون به منصب وزارت رسید و به ذوالریاستین (صاحب شمشیر و قلم) ملقب شد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۴۷۷/۱۲؛ عقیلی، ۱۳۶۴: ۶۹). نیکی و بخشش بیش از حد او به دانشمندان و هنرمندان باعث شده بود او را با برآمکه قیاس کنند (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۳۸۶). وی از دوستداران و حامیان یوسف سگزی استاد خوشنویس ایرانی بود و همان کسی است که احوال محرر را وارد دربار مأمون عباسی کرد (فقشنندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳) و فرصت درخانی را برای رشد و ترقی خط اسلامی فراهم کرد. فضل بن سهل همچنین به توصیه یحیی برمکی، احمد بن أبي خالد را که خطی خوش و نیکو داشت، تحت حمایت خود قرار داد و وارد دارالخلافه عباسی کرد و در زمان وزارت خود دیوان توقيع^۱ و فض^۲ و خاتم^۳ را به احمد واگذار کرد. احمد بن أبي خالد پس از مدتی به خاطر زیبایی خطش که آن را مدیون آموزش‌های یحیی برمکی بود، در زمرة کتاب خاص

۱ توقيع یعنی نشان کردن پادشاه بر نامه (دهخدا، ۱۳۳۰: ذیل کلمه). وظیفه این دیوان نگهداری مهر و همچنین توثیقاتی بود که امراء در پایان نامه‌های مهم خود به عنوان امضاء درج می‌کردند (ابن طیفور، ۱۴۲۳: ۶۱).

۲ دیوان الفض احتمالاً یک بخش از دیوان رسایل بوده که نامه‌ها و استناد را دریافت و آنها را طبقه‌بندی می‌کرد و به عرض وزیر می‌رساند و نسخه‌ای از آن‌ها را نگه می‌داشت (متر، ۱۳۶۴: ۹۹/۱).

۳ دیوان خاتم یا مهر در زمان معاویه تأسیس شد. در این دیوان نسخه‌ای از هر نامه یا سندی تهیه و نگهداری می‌شد و در عین حال اصل آن نیز بازبینی و مهر می‌شد و سپس ارسال می‌شد. این دیوان برای نظارت بر استناد و جلوگیری از جعل آنها تأسیس شده بود (جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲۵).

مأمون قرار گرفت و در نهایت بر مسنده وزارت مأمون تکیه زد. احمد بن أبي خالد از ماهرترین و زبردست‌ترین افراد در نوشتن قلم محقق^۱ بود.

فضل بن سهل که خود از خوشنویسان عصرش به حساب می‌آمد، زمینه ابداع خطی مختص مکاتبات دستگاه حکومتی را فراهم کرد. وی نخستین کسی بود که به فکر جدایی خط اداری از دیگر دو قلم رایج در آن زمان افتاد. در منابع تاریخی چنین آمده است که فضل بن سهل به امر خلیفه عباسی خطی را برای کارهای اداری وضع کرد تا سروسامانی به اقلام رایج در دربار دهد. این خط به خط «ریاسی» معروف شده بود (راهجیری، ۱۳۴۶: ۵۵). ابداع قلم ریاسی از درآمیختن دو قلم نسخ و ریحان بود، اما قلم نسخ آن بر ریحان غالب بود. تذکرہ‌نویسان این خط را اغلب به سهل بن فضل نسبت می‌دهند؛ گرچه برخی مانند سفادی معتقدند که یوسف سگزی مبدع اصلی این خط بوده و ذوالریاستین حامی او در این کار بوده است. سفادی نقل کرده است که: «یوسف خط جلیل را از اسحاق بن حماد گرفت و عمودها را در این خط اندکی تغییر داد. انحنای‌های باز این خط را مدور کرد و آن را اصلاح نمود. این شاخصه‌ها به ابداع خط زیبا و ظریفی انجامید که مورد توجه فضل قرار گرفت. فضل این خط را تحسین کرد و دستور داد از آن برای نگارش گزارش‌ها و ثبت اسناد آمار اداری استفاده کنند. فضل نام این خط را ریاسی یعنی اداری گذاشت» (Safadi, 1978: 226). از دیگر اموری که در زمان وزارت فضل بن سهل و به حمایت او صورت گرفت، تهذیب و هنری ساختن خط‌ها بود که پس از آن در میان خوشنویسان مورد استقبال فراوانی قرار گرفت.

علاقه به خوشنویسی، زیبانویسی و حسن رقابت در دارالخلافة مأمون عباسی چنان اوج گرفته بود که درباریان و کاتبان به یک میزان سعی وافر داشتند تا نوشه‌های ظریف و چشم‌نازی را به وجود آورند و به مهارت و استادی خوبش ببالند. این امر تا بدانجا پیش رفت که این قصیبه از آن شکایت کرد که هدف نهایی کاتبان بر این است تا نوشه‌های زیبا با خطوط راست و استوار ایجاد کنند و وظیفه علمی آنان فدای عشق و علاقه شدید به مهارت هنری شده است (همایونفرخ، ۱۳۵۰: ۶۸۹).

^۱ قلم «محقق» از باب حقق / تحقیق به معنی استوار و محکم؛ خطی شکوهمند، وزین و درشت با فوائل منظم و معین است که تمامی حروف آن در هیئت مفرد و مرکب کامل و صحیح است. این قلم بیشتر شبیه کوفی ساده است.

ت. عبدالله بن محمدبن یزدادین سوید

از میان وزرای مأمون عباسی، آخرین وزیر او عبدالله بن محمدبن یزدادین سوید نیز خطاط بوده است. خاندان ابو عبدالله جملگی خراسانی و بر آیین مجوس بودند. ابن سوید نخستین فرد در میان خاندانش بود که مسلمان شد. وی در کودکی پدرش را از دست داد و تحت حمایت مادرش برای آمورش به یکی از دیبران ایرانی سپرده شد. ابن سوید به خوبی آداب و رسوم بی‌شماری را از ایرانیان فرا گرفت و چندان در کار خویش پیشرفت کرد که پس از مدتی در دیوان مشغول به کار شد. مأمون او را در سال ۲۱۴ق. به دلیل کاردانی و درایتش به وزارت منصوب کرد و تا زمان مرگ مأمون همنشین و وزیر او بود (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۱۷).

در زمان مأمون ۲۴ گونه اصلی قلم وجود داشت، اما زیباترین این اقلام، شیوه ابداعی فضل یعنی قلم ریاضی بود. به عبارتی می‌توان این گونه بیان کرد که ثبات سیاسی حاکم بر جامعه و دربار در این سال‌ها زمینهٔ فعالیت هنر خوشنویسی در پرتو حمایت وزیران و به دنبال آن، هنرنمایی خوشنویسان را فراهم ساخت. به این ترتیب، از میان شش وزیر مأمون سه تن از آنها خوشنویس و خطاط بودند که بستر بسیار مناسبی را برای رشد و نوآوری این هنر فراهم کردند. به نظر می‌رسد دارا بودن خطی زیبا در جامعهٔ عصر عباسی مورد اقبال عامهٔ مردم بوده است.

۲. عصر دوم عباسی و شکوفایی هنر خوشنویسی (۲۳۲-۳۳۴ق)

پس از عصر مأمون و معتصم عباسی شور و اشتیاق آموختن هنر خوشنویسی از میان مردم رخت بر بست و بیشتر خطوط به فراموشی سپرده شد. به نظر می‌رسد ابداع خطوط مختلف و پیچیدگی‌های موجود در آنها و درباری شدن خط باعث کمرنگ شدن این هنر در بین عوام شد و کاربرد قلم‌ها محدود به برخی از خواص و طبقه اشراف، امرا و درباریان بود. البته دلزدگی‌های سیاسی و اجتماعی مردم، مشکلات اقتصادی و فضای نامیدکنندهٔ عصر پس از مأمون در این روند بی‌تأثیر نبوده است و از طرفی، وزیران این دوره نیز اقبال کمتری به این هنر نشان دادند. یکی از دلایل عمدئ بی‌اعتنایی وزیران به هنر خوشنویسی در این دوره، شرایط سیاسی حاکم بر دربار و عزل و نصب‌های پس در پی

وزیران بود که مجالی به آنان برای حمایت‌های مالی و معنوی از هنرمندان و پرداختن به هنر خوشنویسی نمی‌داد. با وجود این، برخی از آنان که قبل از وزارت کاتب یا دبیر بودند، خطی زیبا داشته‌اند که نشان می‌دهد آموزش خط همچنان در دربار رایج بوده؛ گرچه نوآوری خاصی در این زمینه وجود نداشته است.

الف. ابو جعفر محمدبن عبدالملک بن زیات

در روزگار معتصم عباسی وزیرش ابو جعفر محمدبن عبدالملک بن زیات (متوفای ۲۲۳ق) خود از ادبیان و شاعران آن دوره (نحویانی، ۱۳۴۴: ۱۷۸) و از حامیان هنر خوشنویسی بود (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۲۵). وی در زمان معتصم، واثق و متوكل عهددار وزارت بود (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۲۰۲؛ مسعودی، [بی‌تا]: ۹۳/۴). او خطی بسیار زیبا و نیکو داشت و خط احمدبن محمدبن حفص معروف به «زاقف» را (جزو برترین خطاطان این عصر در قلم ثلث) بسیار می‌پستید (فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۴۱). ابن زیات این هنرمند خوشنویس را وارد دارالخلافه عباسی کرد و به عنوان منشی مخصوص خود انتخاب کرد و مورد حمایت معنوی و مادی خویش قرار داد.

ب. عبیدالله بن یحیی بن خاقان و سلیمان بن وهب بن سعید

عبیدالله بن یحیی بن خاقان از وزیران متوكل عباسی، گرچه مردی بی‌انضباط و کارهایش درهم و برهم بود، اما خطی نیکو داشت (همان، ۳۲۹). همچنین سلیمان بن وهب بن سعید (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۴۰) که در زمان المحتدی وزارت او را عهددار بود، از خوشنویسان عصر خود بود (همان، ۳۳۹). آنان همچون خاندان برمکی و سهل از بزرگان، دانشوران و مردمی فاضل، بزرگوار، کریم و در امور سیاسی با تدبیر و کاردان بودند. دولتشان همواره تازه، نو و روزگارشان درخشان بود. در دوره آنها بساط ادب گسترشده بود و مراسم کرم و بزرگواری رواج داشت. سلیمان بن وهب از حیث فضل، ادب، نامه‌نگاری و دفترنویسی سرآمد کاتبان عصر خویش بود و یکی از خردمندان و صاحبان رأی به شمار می‌آمد. وی در سروden شعر نیز ید طولابی داشت (نحویانی، ۱۳۴۴: ۱۸۸). خلیفه مأمون عباسی او را به سبب خط زیبا و نامه‌ای که نوشته بود، حمایت کرد. گزارش شده است که سلیمان در

آغاز نوجوانی در خدمت محمد یزداد وزیر خوشنویس مأمون بود و در دارالخلافه در امور مختلف به او کمک می‌کرد. روزی در غیاب محمد یزداد، مأمون از او خواست پیش‌نویس نامه‌ای را برایش بنویسد. او نیز نامه را نوشت و پاک‌نویس کرد و به مأمون داد. مأمون از خواندن نامه رضایت خویش را اعلام کرد و پس از آن کارهای مهم را به عهده سلیمان گذاشت (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۶۴/۱۲).

پ. احمدبن عبیدالله بن احمدبن خصیب

از دیگر وزرای خوشنویس عصر دوم عباسی، می‌توان به احمدبن عبیدالله بن احمدبن خصیب (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۶۹) از وزیران المقتدر بالله عباسی اشاره کرد. ابوالعباس احمدبن عبیدالله بن احمد الخصیب قبل از وزارت منشی مادر مقتدر بود (همان، همان‌جا). وی علاوه بر اینکه به علوم ادبی و دیوانی آگاه بود، از خطی زیبا و بلیغ نیز بهره‌مند بوده است.

ت. ابوالحسن علی بن محمدبن فرات (۲۴۱-۳۱۲ ق)

ابوالحسن علی بن محمدبن فرات (۲۴۱-۳۱۲) نیز جزو وزیرانی بود که خطی نیکو و زیبایی داشت. خاندان فرات جملگی اهل «صریفین دجیل» از توابع بغداد بودند (صابی، ۱۳۴۶: ۱۱). این خاندان شیعه‌مذهب که در سده‌های سوم و چهارم قمری زندگی می‌کردند، از حیث فضل، کرم، شرف، وفا و جوانمردی سرآمد مردم روزگار بودند (حسن، ۱۳۹۲: ۶۰۴). ابن فرات در زمان عباسیان سه دوره بر مستند وزارت نشست (صابی، ۱۳۴۶: ۱۱). گویا او نیز به مانند دیگر وزرای خوشنویس پس از مأمون، نوآوری خاصی در خطاطی نداشته است، اما یکی از خدمات ارزشمند و قابل ستایش او در زمینه خوشنویسی حمایت بی‌دریغ از ابن‌مقله پیغمبر خط بوده است. ابن‌فرات در شمار ارادتمندان و دوستان ابن‌مقله بود که او را وارد دارالخلافه عباسی کرد و در سالیان بعد مدادامی که ابن‌مقله در زندان به سر می‌برد، جویای احوالات او بود و برایش نامه می‌نوشت. ابن‌مقله همان کسی است که پس از سال‌ها جان دوباره در کالبد خوشنویسی اسلامی دمید.

وزیران دربار عباسی در این دوره نقش چشمگیری در رشد و شکوفایی خوشنویسی نداشتند، اما در زیبانویسی مهارت خوبی داشتند. در عصر دوم عباسی نسبت به دوره قبل

استفاده از نشانه‌های سجاوندی (علام نقطه‌گذاری) و در موارد بسیاری اعراب‌گذاری در هنر خوشنویسی رواج پیشتری یافت (مقتدای، ۱۳۹۴: ۳۹۲) و خطوط از زیبای خاصی بهره‌مند شدند؛ آنچنان که به اعتقاد علی بن عیسی وزیر عباسی، نشانه‌های سجاوندی یک نوشتار چون پارچه‌ای است که هنرمندانه طراحی شده باشد (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۵).

ج. ابن مقله نگینی بر هنر خوشنویسی

رکود و یکنواختی در هنر خوشنویسی با روی کار آمدن ابن مقله وزیر هنرمند عباسیان به پایان رسید. ابن مقله که وزارت سه تن از خلفای عباسی را بر عهده داشت، بنا بر روایات متون تاریخی در دوران خود نادره‌ای به تمام معنا بود و یکی از خدمتگزاران مهم در پیشرفت هنر خوشنویسی بود. ابوعلی محمد بن علی بن مقله در سال ۳۱۶ق. برای مدتی به عهده‌دار وزارت شد. وی نخست در یکی از دیوان‌ها خدمت می‌کرد و پس از مدتی به ابوالحسن بن فرات پیوست و از خواص او شد (ابن طقطقی، ۳۷۰: ۱۳۶۷). ابن مقله نزد ابن فرات می‌نشست و نامه‌های ارباب رجوع را می‌گرفت و به ابن فرات گزارش می‌داد. او همچنان در این شغل باقی ماند تا آنکه کارش رونق گرفت. ابن مقله طی چند سال وزیر سه تن از خلفای عباسی یعنی مقتدر، القاهر و الراضی بالله بوده است.

ابن مقله در هنر خوشنویسی به همراه برادرش عبدالله اقلام مختلفی (محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و توقيع)^۱ را از قلم کوفی استخراج کرد (ابن نديم، ۱۳۶۶: ۱۷؛ الكردي المكي، ۱۹۳۹: ۲۲۵). البته با توجه به قراین این خطوط دویست سال قبل از ابن مقله متداول بوده و به همین دلیل بهتر است گفته شود آنها این خطوط را تکمیل کردند (الكردي المكي، همان، ۲۲۶).

^۱ قلم ریحان: پس از محقق آمد و از آن جدا شد. ریحان به معنای خوشبو و نازبو است. بسیار ظریف و لطیف است و شکل کوچک محقق است. اقلام محقق و ریحان در نوشتن مصحف و دیوان به کار می‌رفت.

قلم ثلث: از اقلام ابداعی ابن مقله است که ریشه در قلم کوفی دارد و به نام ام خطوط معروف است. خاندان بنی عباس بسیار در رواج آن کوشیدند. جزو اقلام محکم و مستدير است که برای نوشتن کتبیه و سرلوغ و عنابین به کار می‌رفت.

قلم نسخ: قلمی یکنواخت، کامل، معتدل منظم و روش است که برای کتابت نامه‌ها به کار می‌رفت. گونه‌ای از قلم است که با آن مکاتبات دیوانی و قصه‌ها را بر روی رقعه کتابت می‌کردد و حروف و صور آن شبیه به ثلث و توقيع بود. به سبب ریزی و لطافت این قلم، در نوشتن آیات قرآن و کتب و تاریخ به کار می‌رفت.

قلم توقيع: این قلم را به این نام می‌خوانند؛ زیرا وزرا و خلفاً بر پشت کتب و نامه‌ها با این قلم می‌نوشتند. توقيع در لغت به معنای دستخط و امضاست و ریشه در قلم ثلث دارد و شبیه به آن است. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: فضائلی، ۱۳۶۲.

این دو برادر به سبک پدرانشان می‌نوشتند. با اینکه گروهی از خانواده و فرزندانشان به نویسنده‌گی و خطاطی مشغول بودند، اما سرآمد آنان این مقاله بود که به جایگاهی رفیع در هنر خوشنویسی دست یافت. ابن‌نديم در مورد هنر خوشنویسی دو برادر نوشته است: «ابوعلی در خط توقيع و ابوعبدالله در خط نسخ یگانه بودند» (ابن‌نديم، ۱۳۶۶: ۱۷). مقام ابن‌مقله در خوشنویسی از دو جهت قابل بررسی است: ۱. ابداع اقلام گوناگون؛ ۲. زیباسازی مفردات و ترکیبات ساختاری حروف و کلمات.

د. ابداعات ابن‌مقله در هنر خوشنویسی

ابن‌مقله را مخترع و مبتکر رسم الخط بدیع و خط جدید عربی می‌دانند، اما مهم‌ترین کار او وارد کردن هندسه (فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۹۶) و استفاده کاربردی از آن در خوشنویسی است. ابن‌مقله کوشید از دشواری‌های قلم کوفی بکاهد تا همه مردم به فراگیری آن مشتاق شوند. به نظر می‌رسد آشتبانی دادن مردم با این هنر، رونق و فراگیر شدن دوباره آن، از دغدغه‌های اصلی ابن‌مقله بوده است.

ابن‌مقله در نخستین گام قواعد استوار و منطقی و روش‌های نگارش علمی را تدوین کرد و اولین اصول مدون اقلام را به رشتۀ تحریر درآورد (ولايتی، ۱۳۹۰: ۴۱). قاعدة خط ابن‌مقله بر مبنای دور و سطح بود (خلیلی، ۱۳۸۰: ۱۱۸/۲). او از قلم کوفی قلمی ساخت و آن را «محقق» نامید (فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۹۸). سپس با تربیت شماری از مستعدین به تبلیغ آن پرداخت و قلم محقق را به سبب اشکال یکدست و یکنواخت خاص درشت و منبسط در کمال روشنی و استواری، مخصوص تحریر آیات قرآن و کتب دین قرار داد. پس از آن قلم ریحان را از قلم محقق استخراج کرد (زین‌الدین، ۱۳۹۳: ۳۴). قلم ریحان با خصوصیات محقق و در ابعاد کوچک‌تر بود و به واسطه ظرافتش آن را به گل و برگ ریحان تشبیه کردند. ابن‌مقله این قلم را نیز آموزش داد و طولی نکشید که این قلم در مراکز علمی و تحصیلی و در میان عامه مردم متداول شد. قالب بعدی ثلث بود. یک‌سوم حرکات آن سطح و دو سوم آن دور بود؛ به همین دلیل به آن ثلث می‌گفتند (وزیری، ۱۳۸۱: ۵۱). قلم ثلث مخصوص معماری بود و آیات الهی را به زیباترین وجه بر سیمای اماکن متبرکه جلوه‌گر می‌ساخت.

ابن مقله قلم نسخ را در سال ۳۱۰ ق. در زمان مقتدر عباسی و وزارت ابن فرات اختراع و وضع کرد و با خلق این قلم، ناسخ اقلام آشفته کتابت متداول در عصر خویش شد. نسخ در لغت به معنی محو و باطل کردن است (ولایتی، ۳۹۰: ۴۸). او اساس قواعد قلم نسخ را به نقطه استوار کرد و دوازده قاعده برای کیفیت و امتیاز آن مقرر کرد (مایل هروی، ۱۳۷۲: ۴۵۴). این قواعد دوازدهگانه عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شأن.^۱ خواندن و نوشتن قلم نسخ^۲ بسیار ساده و روان است و از خواناترین خوشنویسی‌های اسلامی به شمار می‌رود. قلم نسخ معمولاً برای نوشتن قرآن و ثلث برای درشت‌نویسی، به خصوص کتبه‌های سردر مسجدها و کاشی کاری به کار می‌رفت. قلم محقق و ریحان مخصوص قطعه‌نویسی، توقيع و رقاع مخصوص نوشتن کارهای روزانه و نامه‌نگاری بوده است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱).

پس از نسخ، ابن مقله قلم رقاع (مقتدایی، ۱۳۸۴: ۴۱۸) را با پنج دانگ سطح و نیم دانگ دور ابداع کرد تا رقعه‌ها و فرمان‌های حکام ولایات با آن نوشته شود. رعایت میزان هندسی حروف با توضیح روابط میان اجزای حروف، در دایره‌ها تکمیل و مقرر شد و تا امروز برای خوشنویسان باقی مانده است. در این قلم، مبنای کمال تناسب حروف با یکدیگر است. فضایلی می‌نویسد (۱۳۶۲: ۲۹۹) هر کس که به خوشنویسی عشق

۱ قاعده ترکیب یعنی آمیش و در کنار هم قرار گرفتن هماهنگ و دلپذیر حروف، کلمات، جمله‌ها و سطرها با یکدیگر. به گونه‌ای که از خُسن ترکیب برخوردار باشند. قاعده کرسی یعنی اینکه نوشتن با توجه به خط کرسی با همان خط زمینه انجام شود. قاعده نسبت (تناسب و همندانزگی) یعنی اینکه شکل‌ها و حروف مشابه هم در همه موارد به یک اندازه باشند. قاعده ضعف: از قواعد خوش‌نویسی رعایت نازکی در حروف است که باید رعایت شود. قاعده قوت: رعایت ضخامت در حروف است که زیباترین شکل آن در آخر کشیده‌ها دیده می‌شود. قاعده سطح: از قواعد خوش‌نویسی حالت خشکی است که به چشم می‌آید و فقط در اوایل کشیده‌ها است. قاعده دور: حالت نرمی و دایره‌وار بودن حروف است که نهایت آن در آخر کشیده است و اعتدال سطح و دور را باید در خط استادان یافت. برای مثال، در خط دیوانی بیشتر دور می‌باشد. قاعده صعود مجازی: از قواعد خوش‌نویسی حرکت قلم از پایین به بالا را می‌گویند به شرطی که مستقیم نباشد؛ مانند نوشتن آخر کشیده‌ها. قاعده نزول مجازی: حرکت قلم از بالا به پایین است و حالت مستقیم ندارد؛ چون اوایل کشیده‌ها. قاعده صفا (شادایی): حالتی از خط است که طبع را شاد و چشم را روش می‌سازد. قاعده اصول یا استواری، به معنی حسن نگارش حروف و استحکام آنها از جهات قوت، ضعف، سطح، دور، صعود، نزول است. قاعده شأن یا دلنشینی، کیفیتی از خط است که چون پدید آید خطاط به نگریستن در خط مجنوب شود و احساس خستگی نخواهد کرد. دو اصطلاح «صفا» و «شأن» صفت خطی است که به مرحله کمال رسیده باشد و پس از سال‌ها تمرین و کارآزمودگی در خوش‌نویسی پدید می‌آید. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: فضائلی، ۱۳۶۲.

۲ در قلم نسخ برخلاف ثلث حروف و کلمات پس و پیش و سوار بر یکدیگر نوشته نمی‌شود و به همین سبب خواناتر از ثلث است.

می‌ورزد، این گفته ابوحیان توحیدی صاحب رساله عالم الکتابه را تصدیق می‌کند که: ابن مقله پیغمبر خط است و دست او همچون زنبور عسل در ساختن خانه‌های مسدس در قالب ریزی خط ملهم شده است.

زیباسازی در مفردات و ترکیبات خطوط

سهم عده این مقله در راه تکامل زیبانویسی و نسخ این بود که تناسب حروف را بر مبنای الف سنجید (سرمدی، ۱۳۷۹: ۳۰۲). به طور کلی تطور تکامل زیبایی راستین و استواری کامل خط بر مبنای مقیاسی متین، با نام ابن مقله همراه است؛ به هیمن دلیل نام وی در فرهنگ و معارف اسلامی نه تنها میان خوشنویسان، بلکه شاعران نیز ضربالمثل شد و به «امام الخطاطین» ملقب شد (اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴۵). صاحب بن عباد درباره او تکیتی با این مضمون سروده است:

خط وزیر ابن مقله بسان قلب و مقله [تحم چشم]
(فضائلی، ۱۳۶۲: ۲۹۹)

سعدی ظرافت او را در خوشنویسی چنین ستوده است:

چنان که دعوی معجز کند به سحر میین به سیم حل ننگارد به سان ثغر تو سین تابمالیدی خطش بر مقلتین	گر ابن مقله دگر باره در جهان آید به آب زر نتواند کشید چون تو الف کاش ابن مقله بودی در حیات
--	--

(سعدی، [بی‌تا]: ۴۷۹)

حتی در زمانه ما شاعر مصری ملک الشعرا شوقی، الفهای خط ابن مقله را به دلیل ظرافت و زیبایی به ستون‌های قصر الحمراء تشبیه کرده است (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۱).

در زمان خلاف الراضی بالله (۳۲۹-۳۲۲ق) در پی اختلاف با این رائق امیرالامراء، به دستور خلیفه دستش را بریدند. با این همه قلم را به بازو بست و به خطاطی و نوشتن ادامه داد. نوشه‌هایش را اغلب در مقام احسان و نفعه به محتاجان اکرام می‌کرد. پس از آنکه الراضی پزشکی را برای مداوای دست او فرستاد، گفت: «چگونه دست مبارکی که خدمت خلفاً کرده و دو بار قرآن نوشته، مثل دست دزدان نقیب‌زن بریده شد». آنگاه گریه سر داد و این بیت را سرود:

اذا ما مات بعضك فابك بعضا

(ولایتی، ۱۳۹۰: ۴۱)

«وقتی قسمتی از وجود تو مرد و از بین رفت، بر بقیه دیگر گریه کن؛ زیرا آن قسمت دیگر هم به اوی نزدیک است.»

ابن مقله هیچ گاه از تلاش برای آموزش و یادگیری خوشنویسی حتی بعد از بریده شدن دستش، دست بر نداشت و ماهرانه به خطاطی ادامه داد و شاگردان بیشماری را تربیت کرد که از معروف‌ترین شاگردان او محمدبن اسد (ابن خلکان، ۱۴۱۹: ۳۴۲-۳۴۳) و محمدبن سمسانی (قلقشندی، [بی‌تا]: ۱۷/۳) بودند و ابوالحسن علی بن هلال (متوفی ۴۱۳ق) ملقب به «ابن‌بواب» خوشنویس مشهور قرن چهارم قمری، از شاگردان این دو تن بوده است (فضائی، ۱۳۶۲: ۳۰۰). برخی منابع گزارش داده‌اند که ابن‌بواب از شاگردان دختر ابن‌مقله در خطاطی بوده (شیمل، ۱۳۶۸: ۴۵) و او روش ابن‌مقله را به ابن‌بواب آموخته است. تأثیر خط ابن‌مقله بر هنر خوشنویسی ابن‌بواب چنان بود که با مهارتی خاص خطوط استاد خود را کتابت می‌کرده است. نخجوانی گفته است: ابن‌قططفی از کتابی یاد کرده که ابتدا می‌پنداشته به قلم ابن‌مقله است، اما زمانی که نظر یاقوت مستعصمی از خوشنویسان مشهور قرن پنجم را درباره آن جویا شد، یاقوت تشخیص داد که این کتاب به خط ابن‌بواب است که با شیوه ابن‌مقله آن را نوشته است (نخجوانی، ۱۳۴۴: ۲۰۸). شهرت ابن‌مقله علاوه بر زیبایی خط و ابداع خطوط مختلف، مرهون خلق آثاری است که به او نسبت داده شده است. مهم‌ترین آنها عبارت است از:

- رسالت فی العلم الخط در دار الكتب مصر؛
- رسالت الخط در مكتب عطارين تونس؛
- أصناف الكتاب و مقدمة في الخط در المغرب؛
- «قرآنی» که جزء سی را ندارد و توسط ابن‌بواب تکمیل شده است. این قرآن در کتابخانه بھاءالدوله در شیراز توسط ابن‌بواب پیدا شد؛
- نامه‌ای به استادش اسحاق بن ابراهیم الاحول و قرآنی دیگر به خط او که در اندلس است و در مسجد العدیس در اشبلیه نگهداری می‌شود؛
- كتاب الاختيار الاعشار و جمل الخط؛

چند نامه نیز از او به جا مانده است؛ نامه‌ای برای فرماندهان سپاه و حکام ولایات، نامه‌ای برای عبدالله البریدی و نامه‌ای برای این فرات زمانی که در حبس بود (وزیری، ۱۳۸۱: ۱۶). سرانجام این وزیر هنردوست و هنرپرور در سال ۱۳۲۸ق. چشم از جهان فانی فرو بست.

تصویر ۱. نمونه خط ابن مقله



تصویر ۲. نمونه‌ای زیبا از قرآنی به خط ابن‌بواب^۱



۱۱ وب سایت هنرگردی ثبت شده در پایگاه ستاد سامان دهی وزارت فرهنگ و ارشاد www.honargardi.com

جدول ۱. وزیران خوشنویس عباسی تا پایان خلافت راضی

نام وزیر	نام خلیفه	مدت وزارت	شغل قبل از وزارت	ملیت	اقدامات
یحیی برمهکی	هارون	۱۷۶-۱۷۰ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس، حمایت از اسحاق بن حمام مؤسس مدرسه خوشنویسی، ضحاک بن حمام، احوال محرر نویسنده رساله جامع در خوشنویسی و مخترع خطوط خفیف، الثلث، سومرات و اقلام مسلسل و غیره. حمایت از خوشنام بصری و مهدی کوفی و احمدبن اُبی خالد...
احمد بن اُبی خالد	مأمون	۲۰۵-۲۱۰ق	کاتب	عرب نژاد	خوشنویس، ابداع قلم محقق، نویسنده نامه‌های خلیفه به کشورهای دیگر.
فضل بن سهل	مأمون	۱۹۶-۲۰۲ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس، حمایت از یوسف سگزی خطاط، معروفی خوشنویس معروف احوال محرر به مأمون عباسی، حمایت از احمدبن اُبی خالد خطاط، ابداع خط ریاضی.
ابو عبدالله محمد بن یزداد بن سوید	مأمون	۲۱۴-۲۱۸ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس
عبدالملک بن زیات	- معتصم واثق	۲۲۵-۲۲۷ق ۲۲۲-۲۳۳ق	کاتب	عرب نژاد	خوشنویس، حمایت از احمدبن محمد حفص (راقب)
عییدالله بن یحیی خاقان	متولی	۲۴۰-۲۴۷ق ۲۵۶-۲۶۳ق	کاتب و دیبر	ایرانی	خوشنویس
سلیمان بن وهب	المهتدی	۲۵۶-۲۶۳ق ۲۶۳-۲۵۶ق	کاتب	ایرانی	خوشنویس
ابوالعباس احمد بن عیید	مقتدر	۳۱۳-۳۱۴ق	منشی مادر	عرب نژاد	خوشنویس

اقدامات	ملیت	شغل قبل از وزارت	مدت وزارت	نام خلیفه	نام وزیر
		مقندر عباسی			الله بن احمد بن خصیب
خوشنویس، حمایت از ابن مقله (امام الخطاطین)	عرب‌نژاد	نویسنده و ادیب	۲۹۹-۲۹۶ ق ۳۰۶-۳۰۴ ق ۳۱۲-۳۱۱ ق	مقندر	ابوالحسن فرات
پیغمبر خط، استخراج شش خط از خط کوفی، زیباسازی مفردات و ترکیبات ساختاری حروف و کلمات، استفاده کاربردی از هندسه در خط، تدوین قواعد و اصول خط، آسان کردن یادگیری خط برای عموم، آشنا کردن مردم با هنر خط. تأثیف کتاب‌هایی در خط مانند رسالت فی العلم الخط، رسالت خط، اصناف الكتاب، الاختیار الاشعار و جمل الخط، تأثیف ۲۹ جزء از قرآن کریم، پرورش استادانی بزرگ در خوشنویسی نظریه محدثین سعد، محمدبن سمسانی و ابن بواب.	عرب‌نژاد	کاتب	۳۱۸-۳۱۶ ق ۳۲۱-۳۲۰ ق ۳۲۵-۳۲۲ ق	مقندر، قاهر راضی	ابن مقله

نتیجه گیری

عصر عباسی فرصت‌های ممتازی را برای بروز رشد و شکوفایی هنرمندان در شاخه‌های مختلف هنری به‌ویژه خوشنویسی پیدید آورد. در عصر عباسی از خلافت سفاح تا پایان خلافت الراضی (۱۳۲-۱۳۲۹ ق) وزیرانی که به مسند وزارت منصوب می‌شدند، اغلب از میان کاتبان یا دییران انتخاب می‌شدند. برخی از آنان به فنون و ظرافت‌های خوشنویسی

آشنا بودند و بنا بر طبع هنرمند و هنرپرورشان هنر خوشنویسی را مورد حمایت خویش قرار می‌دادند. بر همین اساس، می‌توان این زمان را عصر اعتلا و رشد هنر خوشنویسی و زیبانویسی دانست که اساس و پایه آن را وزیران دربار عباسی بر عهده داشتند. در دوره اول خلافت عباسی، به یعنی وجود وزرایی چون یحیی برمکی و حمایت و علاقه او به زیبانویسی، برای نخستین بار خطاطی به عنوان هنر مورد توجه کاتبان و به تبع اقبال عامه مردم قرار گرفت. در این عصر با حمایت‌های اقتصادی وزیران کتاب‌هایی در زمینه خوشنویسی و خطاطی به رشتہ تحریر درآمد و راه را برای فراگیری و آموزش این هنر در میان علاوه‌مندان هموار کرد. از سوی دیگر، وزیران عباسی با حمایت از هنرمندان نیازهای مالی آنان را بطرف و یا آنان را در مقام‌های عالی مرتبه منصوب می‌کردند که ثمره آن مطرح شدن هنرمندانی چیره‌دست و زبردست در این عرصه بود که زمینه رشد خوشنویسی و ابداع خطوط مختلف را فراهم کردند. این توجهات در دوران مأمون و در سایه حمایت‌های بی‌دریغ وزیرش فضل بن سهل باعث رونق هنر زیبانویسی در خطاطی شد. علاقه به زیبانویسی، آزادی عمل خوشنویسان و رقابت شدید خطاطان، در این زمان باعث پیدایش و ظهرور اقلام جدید و متنوعی شد. در دوره دوم عباسی به دلیل مشکلات اقتصادی در سرزمین‌های خلافت عباسی و همچنین تنش در امور سیاسی دربار، علاقه و توجه به این هنر اصیل رنگ باخت و وزیران علاقه‌ای به توسعه و گسترش خوشنویسی نشان نمی‌دادند، اما با ظهور ابن‌مقله هنر خوشنویسی جانی تازه گرفت. ابن‌مقله که وزارت سه تن از خلفای عباسی را بر عهده داشت، با وضع قوانین خوشنویسی آسان و قابل فهم کردن خطاطی، این هنر را به میان عامه مردم بازگرداند. تلاش‌های او باعث تکمیل خطوط قدیمی و همچنین ابداع خطوطی زیبا و دلانگیز شد. ابن‌مقله علاوه بر ابداع خطوط، به ثبت و وضع قوانین در هنر خوشنویسی نیز اقدام کرد که کاربرد این قوانین تا روزگار ما نیز ادامه دارد.

منابع و مأخذ

- ابن‌انیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، *الکامل، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی*، ج ۱۲، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.

- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۴۱۹)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق یوسف علی طویل، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن طفیور، ابوالفضل احمد بن طاهر (۱۴۲۳ق / ۲۰۰۲م)، کتاب بغداد، تحقیق عزت العطار الحسینی، قاهره: مکتبة خانجی.
- ابن طقطقی، محمد بن علی (۱۳۶۷)، *تاریخ فخری*: ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۶۶)، *الفهرست*، ترجمه محمدرضا تجد، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اصفهانی، میرزا حبیب (۱۳۶۹)، *تذکرہ خط و خطاطان*، ترجمه رحیم چاوش اکبری، تهران: انتشارات مستوفی.
- بوبوا، لوسین (۱۳۳۶)، بر مکیان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جاحظ، عمر و بن بحر (۱۴۲۴ق)، *الحیوان*، محسن محمد باسل عیون سود، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
- جهشیاری، محمد بن عبدوس (۱۳۴۸)، *الوزراء والکتاب*، ترجمه ابوالفضل طباطبائی، تهران: [بنی‌نا].
- حسن، حسن ابراهیم (۱۳۹۲)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان.
- خلیلی، ناصر و دیوید جیمز (۱۳۸۰)، *کارهای استادانه: قرآن‌نویسی تا قرن هشتم هجری قمری*، ترجمه پیام پهتش، ج ۲، تهران: نشر کارنگ.
- راهجیری، علی (۱۳۴۶)، *پیدایش خط و خطاطان*، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۴۵)، *تاریخ خط و خطاطان*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- زین الدین المصرف، ناجی (۱۳۹۳)، *دانشنامه خطوط اسلامی*، تهران: انتشارات گلدسته.
- سبزواری، فتح‌الله (۱۳۷۲)، *اصول و قواعد خطوط سته*، در کتاب آرایی در تمدن اسلامی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- سجادی، محمدصادق (۱۳۸۵)، بر مکیان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشاری یزدی.
- سرمدی، عباس (۱۳۷۹)، *دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام*، تهران: هیرمند.
- سعدي، مصلح‌الدین [بن‌تا]، کلیات سعدی، تصحیح عبدالعظيم قریب، تهران: انتشارات جاویدان.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۸۱)، «افوارها و آداب نسخه برداری»، ترجمه حسین استادولی، نامه پیهارستان، س ۳، ش ۵، ص ۲۱-۳۲.
- شیمل، انه ماری (۱۳۶۸)، *خوشنویسی و فرهنگ اسلامی*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- صابی، هلال بن محسن (۱۳۴۶)، *رسوم دارالخلافه*، تصحیح میخاییل عواد، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- صولی، محمد بن یحیی (۱۳۴۱ق)، *ادب الکتاب*، تحقیق محمد شکری آلوسی، بغداد: دارالکتب العلمیه.

- صیرفى، عبدالله (۱۳۸۷)، آداب خط، در کتاب آرایی در تمدن اسلامی (مایل هروی، نجیب)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ الرسل و الملوك، ترجمه ابوالقاسم پائینده، ج ۱۲، تهران: انتشارات اساطیر.
- طقوش محمد سهیل (۱۳۹۴)، دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، با اضافاتی از رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام (۱۳۶۴)، آثار الوزرا، تصحیح میر جلال‌الدین حسینی ارمومی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فروخ، عمر (۱۹۵۰)، الرسائل و المقامات، بیروت: [بی‌نا].
- فضائی، حبیب‌الله (۱۳۶۲)، اطلس خط، اصفهان: انتشارات مشعل.
- قلقشندی احمدبن علی [بی‌تا]، صحیح الاشی فی صناعة الانتاج، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، ج ۳، بیروت دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
- الکردی المکی الخطاط، محمد طاهر (۱۹۳۹)، تاریخ الخط العربی و آدابه، بیروت: مکتبة الہلال.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲)، کتاب آرایی در تمدن اسلام، مشهد: انتشارات استان قدس رضوی.
- متز، آدام (۱۳۶۴)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی، ترجمه علیرضا ذکاوی، قرآنگلوب، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، ج ۲، بیروت: مؤسسه الوفا.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین [بی‌تا]، صریح الذهب و معادن الجواهر، ج ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مقتدایی، علی‌اصغر (۱۳۹۴)، تاریخ خط و خوشنویسی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- (۱۳۸۴)، دائرة المعارف بزرگ خط، تهران: آراد.
- ناموس خواری، محمدبن علی (۱۳۸۷)، آلات کتابت و بیان آداب و عادات دیری «به کوشش قنبر علی رودگر، نامه بهارستان، س ۸ و ۹، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۲۲-۱۳.
- نخجوانی، هندو شاه (۱۳۴۴)، تجارب السلف، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه طهوری.
- همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۵۰)، سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان، تهران: [بی‌نا].
- وزیری، حسن (۱۳۸۱)، وزیر مثلث، نهران: انتشارات امینی.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، ابن‌مقمله، تهران: امیرکبیر.
- Safadi, Yasin Hamid (1987), *Islamic Calligraphy*, London: Thames and Hudson.

